

## Analyzing the Effects of Adipogenic Potential in Hydro-Alcoholic Extract of Marijuana on Mesenchymal Bone Marrow Stem Cells of Adult Male Rats

Sazmand M.<sup>1,2</sup>, Mehrbani D.\*<sup>1</sup>, Hosseini S.E.<sup>2</sup>, Amini M.<sup>3</sup>

\* Burn and Wound Healing Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

<sup>1</sup> Department of Biology, College of Science, Fars Science and Research, Branch, Islamic Azad University, Fars, Iran.

<sup>2</sup> Department of Biology, College of Science, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

<sup>3</sup> Laparoscopy Research Center, Department of Surgery Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

### Abstract

**Aims:** Millions of people consume psychoactives such as marijuana. Mesenchyme cells, which are derived from bone marrow stem cells, have multiple applications in tissue engineering and regenerative medicine. The aim of this study was to analyze the effects of marijuana on differentiation power of bone marrow stem cells of adult male rats in adipose tissues.

**Materials and Methods:** In this experimental study, the bone marrow stem cells of adult male rats were segregated with flushing method. Then, their mesenchymal identity was confirmed with a morphological study, PCR-RT method, and surface markers of CD45 and CD34 along with the related genes of CD90 and CD73. For analyzing the viability and differentiation power of the cells in adipose tissues in terms of marijuana usage, cell samples were exposed to different dosages of marijuana, such as 30 and 6000 ng/ml and cell survival was evaluated by MTT. The adipogenic differentiation potential of the treated cells were analyzed based on oil red staining. The results were analyzed by ANOVA and Schaffe tests.

**Findings:** The results indicated that the extracted cells are non-adherent in flasks and, in moving from passage one to the next passage, their duplication speed increased. In passage three, they changed into fusiform cells. Based on RT-PCR, it was revealed that CD90 and CD73 were existent, but CD34 and CD45 are nonexistent. Marijuana treatment caused no change in the form of stem cells. 10 days after exposure to adipogenic circumstances, in addition to increase of survival, their cytoplasm was repleted with adipose.

**Conclusion:** The results of this study revealed that marijuana has positive effects on mesenchymal bone marrow stem cells in differentiating the adipocyte.

### Keywords:

Stem Cells (<https://meshb-prev.nlm.nih.gov/record/ui?ui=D013234>)

Cannabis (<https://meshb-prev.nlm.nih.gov/record/ui?ui=D002188>)

Drug effects (<https://meshb-prev.nlm.nih.gov/record/ui?ui=Q000187>)

Adipogenesis (<https://meshb-prev.nlm.nih.gov/record/ui?ui=D050156>)

Bone Marrow Cells (<https://meshb-prev.nlm.nih.gov/record/ui?ui=D001854>)

Rats (<https://meshb-prev.nlm.nih.gov/record/ui?ui=D051381>)

---

\*Corresponding Author: Davod Mehrbani

Tel: +989171130337

Fax: +987136223418

Address: Burn and Wound Healing Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

E-mail: [davood\\_mehrabani@yahoo.com](mailto:davood_mehrabani@yahoo.com)

Received: 25 Feb 2018

Accepted: 22 Sep 2018

ePublished: 10 Oct 2018

## بررسی اثر عصاره هیدروالکلی کانابیس ساتیوا (حشیش) بر تمایز آدیپوژنیک در سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان موش‌های صحرایی نر بالغ

مریم سازمند

گروه آموزشی زیست‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی،

شیراز، ایران.

دکتر داود مهربانی\* PhD

مرکز تحقیقات سوختگی و ترمیم زخم، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

دکتر سید ابراهیم حسینی PhD

گروه آموزشی زیست‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

دکتر مسعود امینی PhD

مرکز تحقیقات لاپاروسکوپی، بخش جراحی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

### چکیده

اهداف: میلیون‌ها نفر در جهان از روانگردان‌هایی نظیر حشیش استفاده می‌نمایند. سلول‌های مزانشیمی مغز استخوان دارای کاربردهای فراوانی در مهندسی بافت و پزشکی ترمیمی می‌باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر عصاره حشیش بر توان تمایز سلول‌های بنیادی مغز استخوان موش‌های صحرایی نر بالغ به بافت چربی انجام گردید.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تجربی، سلول‌های بنیادی مغز استخوان موش صحرایی نر توسط فلاشینگ جداسازی و با بررسی مورفولوژی و روش RT-PCR با بررسی مارکرهای سطحی CD34 و CD45 و ژن‌های مربوط به CD73 و CD90 هویت مزانشیمی آن‌ها تایید و جهت بررسی توان تمایز آنها به سلول‌های چربی در شرایط تیمار با حشیش نمونه‌های سلولی در معرض مقادیر ۳۰ تا ۶۰۰ ng/ml حشیش قرار داده شدند و با استفاده از روش MTT دوز ۱۰۰ ng انتخاب و پتانسیل تمایز آدیپوژنیک سلول‌های تیمار یافته به کمک رنگ‌آمیزی اوایل رد مورد بررسی قرار گرفت و نتایج با استفاده از آزمون‌های ANOVA و توکی آنالیز گردیدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، سلول‌های استخراج شده در فلاسک‌ها غیرچسبنده بودند و از پاساژ یک به بعد تکثیر آنها سرعت بیشتری یافته و در پاساژ سوم سلول‌ها دوکی شکل شدند و با انجام RT-PCR حضور CD73 و CD90 و عدم حضور CD34 و CD45 نمایان گردیدند. تیمار با حشیش، تغییری در شکل سلول‌های بنیادی ایجاد نکرده و بعد از ۱۰ روز قرارگیری در معرض محیط آدیپوژنیک ضمن افزایش زنده‌مانی، سیتوپلاسم آن‌ها از چربی انباشته گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی نشان داد که حشیش بر تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان به سلول‌های چربی دارای تاثیر مثبت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کانابیس ساتیوا، سلول بنیادی مزانشیمی، مغز استخوان، تمایز آدیپوژنیک، موش صحرایی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۳۱

\* نویسنده مسئول: davood\_mehrabani@yahoo.com

### مقدمه

گیاه کانابیس ساتیوا گیاهی از طبقه گلداران و خانواده کانابیناسه است. این خانواده از دو جنس تشکیل شده که کانابیس به عنوان تک گونه خانواده کانابیناسه در نظر گرفته می‌شود [1].

بیش از ۱۲۰۰۰ سال از مصرف این گیاه می‌گذرد و هنوز بسیاری در سراسر جهان از قسمت‌های مختلف این گیاه برای مصارف دارویی استفاده می‌کنند [2]. حشیش به عنوان یکی از محتویات گیاه کانابیس به عنوان بیش‌ترین داروی روان‌گردان توسط میلیون‌ها نفر در تمام نقاط دنیا مورد استفاده قرار

می‌گیرد. کانابیس تقریباً در هر کشوری قابل کشت است و به‌طور چشم‌گیری در کشورهای پیشرفته کشت می‌شود. رزین کانابیس (حشیش) در حدود ۶۵ کشور تولید می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها آفریقای شمالی و کشورهای جنوب‌غربی آسیا به ویژه افغانستان و پاکستان می‌باشند. همچنین در طول زمان مواد موثر فرآورده‌های این گیاه، مورد مطالعه قرار گرفته‌است به طوری که اثر فرآورده‌های این گیاه را به وجود اسانس که در آن وجود دارد مرتبط دانسته و از این اسانس نیز دو کربوریکی به نام کانابن، مایعی با بوی بسیار قوی و دیگری هیدروکانابن، جسمی فاقد بو به دست آورد اثر فیزیولوژیکی فرآورده‌های گیاه مذکور مربوط به یک ماده رزینی نام کانابین یا حشیش است که بوی قوی و طعم تند دارد و عمدتاً بخش مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی، سرشاخه‌های گلدار یا میوه‌دار پایه‌های ماده وارینه ایندیکا آن می‌باشد [3]. برای عصاره گیاه کانابیس خواصی چون، تسکین درد، بی‌حس‌کنندگی، آرام‌کنندگی، مرهم مسکن، دارای خواص پادزهری، اثرات مقوی، تقویت‌کننده قوای جنسی مردانه، محرک سیستم اعصاب مرکزی، مدر، قاعده‌آور، خواب‌آور، صفرآور، ملین، ضد کرم‌های انگلی و توان آنتی‌بیوتیکی برای آن در منابع مختلف آورده شده است. این گیاه هم‌چنین در درمان‌های سنتی برای درمان مواردی چون: آلوپسی، سرطان، تومورها، سرماخوردگی، قولنج، سرفه، بی‌اشتهایی، بیوسست، تهوع، دیس‌پسی، افسردگی، صرع، میگرن، التهاب، رماتیسم، اسپاسم، کزاز و زخم مورد استفاده قرار می‌گیرد [4]. بر اساس نتایج حاصل از مطالعات گذشته نشان داده شده است که عصاره گیاه کانابیس دارای اثرات آپتوزی است که می‌تواند در زمان بروز بیماری‌هایی چون سرطان مفید باشد [5,6]. همچنین اثرات موتاژنی و تراژونی ترکیبات گیاه کانابیس نظر پژوهشگران را از گذشته تا به حال به‌خود جلب نموده به طوری که در زمینه بررسی آسیب‌های کروموزومی افراد مصرف‌کننده کانابیس، دانشمندان مختلف تحقیقاتی را به انجام رسانده‌اند [7]. بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات نشان داده شده است که سیستم‌های اندوکاینوژنیک در بدن، سیستم‌های پیام‌رسان، تعدیل‌گر و درون‌زاد لیپیدی هستند که دارای اجزایی نظیر گیرنده‌های کانابینوژنیک نوع یک و دو [1,2]، پروتئین‌های مسئول تولید، انتقال و تجزیه کانابینوژنیک‌ها می‌باشند [8,9,10].

سلول‌های بنیادی سلول‌های غیر تخصصی هستند که توانایی ساختن هر بافتی را در بدن انسان دارند، از این رو کاندیدهای خوبی برای استفاده درمانی در بازسازی و ترمیم بافت هستند. سلول‌های بنیادی به عنوان سلول‌های اجدادی یا پیشرو و هم‌چنین به عنوان سلول‌های کلونیک تعریف می‌شوند که توانایی خودنوزایی و تمایز به انواع بافت‌ها را دارا می‌باشند [11]. انباشت چربی در بدن منجر به نارسایی‌های خودایمنی و گاهی آپوپتوز می‌شود [12]. سلول‌های بنیادی با داشتن خواص ضد آپوپتوزی، تسریع‌رگرایی، میتوز و تمایز به سلول‌های دیگر در مهندسی بافت نقش مهمی دارند [13]. اکثر مطالعات آزمایشگاهی نشان داده‌اند که سلول‌های مزانشیمی توانایی گریز از سیستم ایمنی را داشته و پاسخ ایمنی را مهار می‌کنند

استریتومایسین و ضدقارچ آموپتریسین قرار گرفت. جهت جلوگیری از فساد بافتی فالكون محتوی نمونه روی مقادیری یخ قرار گرفت و با رعایت شرایط کاملاً استریل دو انتهای استخوان‌ها قطع گردید. سپس شستشوی مغز استخوان با سرنگ توسط محیط (F12 DMEM (Bio idea, Iran بدون FBS از دو انتهای استخوان صورت گرفت. سانتریفیوژ (Eppendorf Centrifuge 5702R-Germany) سوسپانسیون سلولی داخل فالكون با دور ۱۰۰۰rpm در دمای ۲۰ درجه سانتی گراد به مدت ۵ دقیقه انجام شد. آنگاه توده سلولی ته‌نشین شده کف لوله‌ها با یک میلی‌لیتر محیط کشت F12 DMEM معلق به یک فلاسک ۷۵ (Orange, USA) منتقل و با ۱۵ میلی‌لیتر محیط کشت F12 DMEM حاوی ۱۵ درصد FBS (GIBCO, USA) کشت داده شد. سپس سلول‌ها در دمای ۳۷ درجه و ۵ درصد CO<sub>2</sub> انکوبه شدند. و زمانی که تراکم سلول‌ها به ۸۰ درصد رسید، پاساژ سلولی انجام و سلول‌ها پس از پاساژ سوم جهت کشت مورد استفاده قرار گرفتند. در این بررسی با استفاده از میکروسکوپ اینورت (Nikon ECL IPSE TS100; GAPAN), سلول‌ها از لحاظ ظاهر دوکی و فیروپلاست مانند مورد بررسی قرار گرفتند و مزانشیمی بودن آنها مورد تایید قرار گرفت. همچنین در این مطالعه برای اندازه‌گیری میزان سمیت عصاره‌ی هیدروالکلی گیاه کانایس و تعیین میزان قابل استفاده در این بررسی از روش تست MTT استفاده گردید. برای این کار ابتدا حدود ۵۰۰۰ سلول در هر چاهک سه پلیت ۹۶ چاهک (Invitrogen; USA) حاوی محیط کشت قرار داده شد. بعد گذشت زمان ۲۴ ساعت در مرحله تعویض محیط، محیط کشت با غلظت‌های متفاوتی از عصاره کانایس دوزهای متفاوتی از عصاره کانایس شامل ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۵۰، ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰، ۵۰۰، ۶۰۰، ۷۰۰، ۸۰۰، ۹۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۴۰۰۰، ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ نانوگرم در میلی‌لیتر، به گروه‌های آزمایش افزوده شد و به مدت ۲۴ ساعت در انکوباتور با دمای ۳۷ درجه و ۵ درصد دی‌اکسید کربن قرار داده شد. سپس محیط کشت سلول‌های یکی از پلیت‌ها با ۲۰ میکرو لیتر محلول تازه‌ی رنگ MTT با غلظت 5 mg/ml تعویض شد. پس از ۴ ساعت انکوباسیون در دمای ۳۷ درجه ساتیگراد محلول رویی سلول‌ها دور ریخته شد و جهت لیز شدن سلول‌ها به هر چاهک ۲۰۰ میکرو لیتر محلول DMSO (Sigma-Aldrich, Germany) اضافه گردید تا بلورهای فورمازون ایجاد شده در اثر واکنش با MTT از بین بروند. و پلیت ۹۶ چاهکی در فویل پیچیده شد و به مدت ۳۰ دقیقه شیک گردید و در انتها جذب نوری توسط دستگاه الیزاریدر (polarstar omega-BMG LABTECH; Germany) در طول موج ۵۷۰ نانومتر محاسبه گردید. جهت دو پلیت دیگر در طی ۷۲ ساعت یکی تعویض محیط با محیط کشت بدون عصاره پس از هر ۲۴ ساعت در همه چاهکها و دیگری تعویض با الگوی افزایش عصاره به محیط طبق روز اول انجام گردید. پس از ۷۲ ساعت هر دو پلیت مورد تست MTT قرار گرفتند. در این مطالعه بر اساس نتایج حاصل از آزمون MTT غلظت مناسب در محدوده ۳۰-۱۵۰ ng/ml انتخاب گردید. از بین این

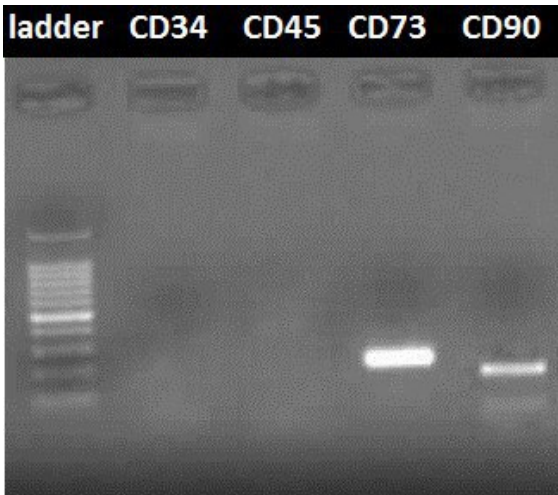
که هر دوی این ویژگی‌ها از نکات مهم در پیوند اعضا و سلول درمانی هستند<sup>[14]</sup>. اگر چه در رابطه با کاربردهای گیاه کانایس در زمینه درمان بیماری‌های آرژیک و التهابی و نورودژنرتیو و همچنین اثر آپوپتوتیک آن گزارش‌های متعددی در دست است لیکن در تمام این مطالعات، اثر توکسیک احتمالی این ماده بر سلول‌های بنیادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است<sup>[15]</sup>. لذا با توجه به کاربردهای دارویی این گیاه در زمینه درمان بیماری‌های آرژیک التهابی و همچنین اثرات نورودژنرتیو و آپوپتوتیک از یک سو و مضرات ناشی از سوء مصرف آن از سوی دیگر و همچنین اهمیت سلول‌های بنیادی مزانشیمی در ترمیم و بازسازی اندام‌ها و کاربرد آن در پزشکی پیوند و مهندسی بافت، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر عصاره گیاه کانایس ساتیوا (حشیش) بر پتانسیل تمایزی سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان موش‌های صحرایی به بافت چربی انجام گردید.

### مواد و روش‌ها

این یک مطالعه تجربی است که در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه آزاد اسلامی شیراز انجام گردید. پروتکل این تحقیق بر اساس قوانین بین‌المللی در رابطه با کار با حیوانات تنظیم و در کمیته اخلاق دانشگاه تحت شماره ۸۰۷. 1396 IR.miau. REC. به تصویب رسید. در این بررسی جهت مطالعه چگونگی تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان موش‌های صحرایی به سلول‌های بافت چربی تحت تاثیر گیاه کانایس، عصاره‌ی هیدروالکلی این گیاه با استفاده از روش پرکولاسیون تهیه گردید. برای این منظور سرشاخه‌های گلدار گیاه کانایس ساتیوا از مرکز مبارزه با مواد مخدر شیراز تهیه و سپس در محیط تاریک و بدون رطوبت خشک و پودر گردید. آنگاه عصاره‌ی موجود در برگ خشک شده‌ی گیاه کانایس با استفاده از اتانول ۷۰٪ ساخت مرک آلمان به عنوان حلال استخراج شد. سپس به منظور حذف کامل حلال، محلول حاصل در دستگاه روتاری ساخت شرکت IKA کشور آلمان با دمای ۴۵ درجه سانتی‌گراد و گردش ۵۰ دور در دقیقه قرار داده شد. در پایان عصاره با استفاده از پمپ خلاء به طور کامل تغلیظ گردید. همچنین در مطالعه حاضر عصاره‌ی به دست آمده را در ظرف‌های شیشه‌ای ریخته و در دمای یخچال نگهداری گردید. در زمان انجام آزمایشات و به منظور رقیق‌سازی عصاره جهت مواجهه‌ی سلول‌ها از اتانول مطلق مرک آلمان و آب مقطر استفاده گردید.

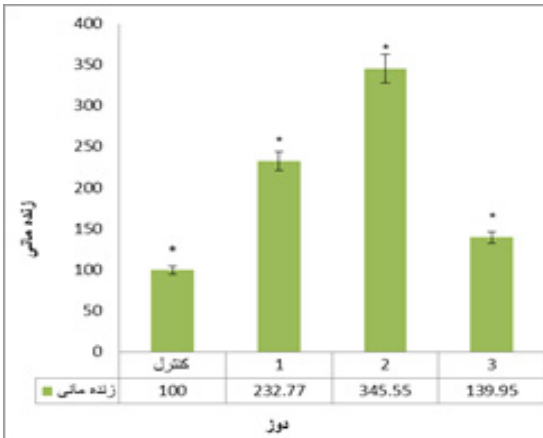
در این مطالعه جهت تهیه سلول‌های مزانشیمی مغز استخوان ۵ سر موش صحرایی نر بالغ دو ماهه با وزن تقریبی ۲۰۰-۱۸۰ گرم از خانه حیوانات مرکز پزشکی مقایسه‌ای و تجربی دانشگاه علوم پزشکی شیراز خریداری و به آزمایشگاه کار با حیوانات آزمایشگاهی واقع در برج پژوهشی محمدرسول‌الله (ص) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شیراز انتقال داده شدند. بعد از گذشت دو ساعت با استفاده از روش آرام‌کشی حیوانات به روی سینی تشریح در زیر هود لامینار (JAL TAJHIZ-JTLVC2X-IRAN) منتقل شدند آنگاه استخوان‌های ران و درشت‌نی آن‌ها جدا گردیده و به فالكون (BD-USA) استریل حاوی سالی‌ن بافری فسفات‌ه و یک درصد آنتی‌بیوتیک پنی‌سیلین،

سرعت بیشتری پیدا کرده به نحوی که در مدت ۴-۳ روز، ۹۰-۸۰ درصد سطح کشت توسط سلول‌ها پوشش داده شد. در پاساژ سوم اغلب سلول‌ها به شکل فیبروبلاستی و یا دوکی شکل که شکل معمول سلول‌های بنیادی مزانشیمی است در آمدند. هم چنین پس از استخراج RNA، ساخت cDNA و انجام واکنش زنجیره‌ای پلیمرز با باند اختصاصی مربوط به سلول‌های بنیادی مزانشیمی تشخیص داده شدند. به علاوه باندهای اختصاصی مربوط به سلول‌های بنیادی خونساز مشاهده نگردیدند. حضور CD90 و CD73 و عدم حضور CD34 و CD45 در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱) عدم حضور CD34 (۲۵۷bp) و CD45 (۴۵۰bp) و حضور CD73 (۲۰۸bp) و CD90 (۱۷۷bp).

همچنین نتایج آزمون MTT در این بررسی نشان داد که تیمار با عصاره گیاه کانابیس، نه تنها باعث ایجاد هیچ گونه تغییر در شکل ظاهری سلول‌های بنیادی مزانشیمی نمی شود. بلکه نتایج این تست حاکی از افزایش زنده‌مانی سلول‌های تیمار شده در مقایسه با سلول‌های گروه کنترل می باشد. به علاوه



نمودار (۱) مقایسه میانگین زنده‌مانی در گروه‌های مختلف.

کنترل: سلول‌های بدون مواجهه با عصاره کانابیس

- ۱- سلول‌های دریافت کننده دوزهای ۱۵۰-۳۰۰ ng/ml پس از ۲۴ ساعت.
- ۲- سلول‌های دریافت کننده دوزهای ۱۰۰۰-۱۵۰۰ ng/ml پس از ۷۲ ساعت.
- ۳- سلول‌های دریافت کننده دوزهای ۶۰۰۰-۱۰۰۰۰ ng/ml پس از ۷۲ ساعت.

غلظت‌ها، دوز اپتیمم ۱۰۰ ng/ml برای تیمار سلول‌ها مورد استفاده قرار گرفت. هم چنین در این مطالعه بیان برخی ژن‌های اختصاصی سلول‌های بنیادی با روش RT-PCR مورد بررسی قرار گرفت. جهت بررسی مارکرهای سطحی سلول‌ها، جداسازی mRNA، تولید cDNA با روش PCR و تکثیر ژن‌های مربوط به CD34 و CD45 که مارکر سلول‌های هماتوپوئیتیک، و ژن‌های مربوط به CD73 و CD90 که از مارکرهای اختصاصی سلول‌های بنیادی هستند انجام گردید. همچنین جهت تعیین تمایز سلول‌های مزانشیمی مغز استخوان به سلول‌های چربی توسط رنگ آمیزی اویل رد، از ظروف کشت ۶ چاهک استفاده شد، به گونه‌ای که تراکم سلولی در هر چاهک به حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد رسیده باشد. سپس دو چاهک به عنوان کنترل منفی، با محیط کشت DMEM + FBS10 درصد، دو چاهک به عنوان کنترل مثبت با محیط کشت تمایز چربی و دو چاهک به عنوان آزمایش با محیط تمایز به به چربی حاوی ۵۰ میکروگرم در میلی‌لیتر آسکوربیک ۳-فسفات (Merck, Germany)، ۱۰۰ نانومولار دگزامتازون (sigma aldrich, Germany) و ۵۰ میکروگرم در میلی‌لیتر ایندومتاسین (sigma aldrich, Germany) و عصاره کانابیس انتخاب شدند. این پلیت‌ها به مدت ۲۱ روز در انکوباتور (CO2 Incubator, MEMMERT GERMANY) نگهداری شدند و هر دو روز یک بار محیط چاهک‌ها تعویض گردید. جهت بررسی میزان تمایز به سلول‌های چربی تحت تاثیر محیط القایی عصاره کانابیس ساتیوا، سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان ۲۱ روز پس از تیمار با عصاره گیاه، کلیه چاهک‌ها به مدت ۴۵ دقیقه با فرمالین ۴ درصد (Merck, Germany)، تثبیت گردیدند و در ادامه پس از شستشو با الکل ۷۰ درصد (Merck, Germany)، با محلول اویل رد (Bio Idea, Iran) رنگ آمیزی شدند. پس از طی این زمان، سلول‌ها سه تا چهار مرتبه با الکل ۷۰ درصد شستشو و با میکروسکوپ اینورت (Nikon ECL IPSE TS100- GAPAN) مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین در این بررسی با استفاده از نرم افزار آماری SSPS-23 و با استفاده از آزمون‌های آماری تجزیه واریانس یک طرفه و تعقیبی شفه آنالیز و معناداری اختلاف داده‌ها در سطح  $p < 0.05$  در نظر گرفته شد.

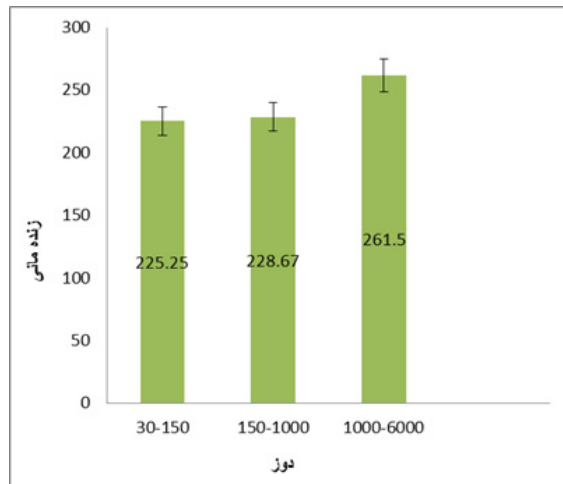
### نتایج

نتایج این مطالعه نشان داد که اغلب سلول‌های استخراج شده در فلاسک‌ها غیرچسبنده بودند و در اولین شستشوی فلاسک و تغییر محیط کشت جدا شدند. برخی از سلول‌های باقی‌مانده به شکل کلونی رشد کرده و بعد از گذشت حدود ۳ تا ۴ روز پس از کشت، یک لایه تک‌سلولی با تراکم ۸۰ تا ۹۰٪ در فلاسک تشکیل گردید. پس از تیمار سلول‌ها با تریپسین، سلول‌ها دوباره به حالت گرد درآمدند و با بازگشت به فلاسک کشت در طی سه روز مجدداً بخش عمده‌ای از سطح محیط کشت توسط سلول‌های بنیادی مزانشیمی دوکی شکل پر شد. از مرحله پاساژ یک و پاساژهای بعدی رشد و تکثیر سلول‌ها



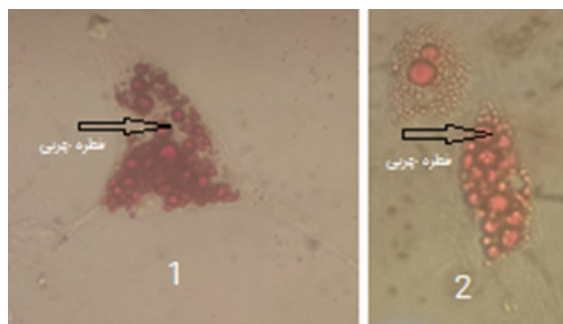
سلول‌ها نداشته است که این نتایج با مطالعات قبلی درباره اثبات مزانشیمی بودن سلول‌های بنیادی مشابهت دارد [17,16]. در این پژوهش، به منظور اثبات مزانشیمی بودن سلول‌های مذکور، وجود یا عدم وجود مارکرهای سطحی سلول‌های بنیادی مزانشیمی با استفاده از روش رونوشت برداری معکوس و واکنش زنجیره ای پلیمرز، عدم حضور CD34 و CD45 و حضور CD73 و CD90 در مورد همه گروه‌های سلولی کنترل و آزمایش مورد تایید قرار گرفت که با نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده توسط کاروز در سال ۲۰۱۰، ماکسون در سال ۲۰۱۲ و رحمانی فر در سال ۲۰۱۶ هم سو می‌باشد [18,19,20]. در این پژوهش، توان تمایز سلول‌های بنیادی مغز استخوان به سلول‌های چربی و اثر عصاره کانابیس نیز در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و سلول‌های بنیادی تیمار شده با غلظت ۱۰۰ نانوگرم در میلی‌لیتر عصاره کانابیس همچون سلول‌های قرار گرفته در محیط تمایز به چربی، قادر به تمایز به سلول‌های چربی بودند نتایج حاکی از آن است که وجود عصاره کانابیس ممانعتی جهت تمایز به سلول‌های چربی نیست و نتایج حاصل با کارهای انجام شده در مورد اثبات مزانشیمی بودن سلول‌های بنیادی از طریق تمایز آن‌ها به سلول‌های چربی انجام شده بود، هم سو می‌باشد [21]. آدیپوژنز فرآیندی است که فاکتورهای مختلفی در بروز آن نقش دارد. PPAR $\gamma$  یکی از فاکتورهای لازم جهت تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی به سلول‌های چربی است زیرا به طیف وسیعی از ژن‌های موثر در تمایز به چربی متصل گردیده و سبب القای بیان آن‌ها می‌شود. اگرچه به مطالعات پیش‌تری در زمینه اثر کانابیس بر بیان ژن PPAR $\gamma$  که برای تمایز سلول‌ها به بافت چربی دارای نقش کلیدی می‌باشد نیاز است [22] اما نشان داده شده است که تتراهیدروکانابینول که یکی از ترکیبات موثر در عصاره گیاه کانابیس می‌باشد به‌عنوان یک لیگاند فعال برای PPAR $\gamma$  بوده و منجر به یک اثر گشادکنندگی وابسته به زمان در جدار شریان‌ها و تحریک آدیپوژنز که یکی از خصوصیات لیگاندهای PPAR $\gamma$  می‌باشد می‌گردد و همچنین باعث تغییر در سطح اندوکannabinوئید و افزایش تمایز به چربی را باعث می‌شود. به‌علاوه می‌توان از کانابینوئیدها جهت درمان استفاده نمود زیرا با اتصال به رسپتورهای PPAR $\gamma$  سبب تمایز سلول‌ها و متابولیسم لیپیدها می‌گردند. از آنجا که در مطالعات قبلی به نقش PPAR $\gamma$  در تنظیم شکل‌گیری آدیپوسیت‌ها و التهاب و حساسیت سلول‌ها به انسولین اشاره شده است [23,24]. لذا احتمالاً می‌توان هم‌سو با نتایج این مطالعات، یافته‌های پژوهش حاضر را نیز در زمینه تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان به سلول‌های چربی را به اثر کانابینوئیدهای موجود در عصاره گیاه کانابیس مورد استفاده بر روی رسپتورهای PPAR $\gamma$  که باعث تمایز سلول‌ها و متابولیسم چربی‌ها می‌شود نسبت داد. در گذشته پژوهش‌هایی در مورد نقش سیستم اندوکannabinوئیدی در تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی به گروه‌های دیگر سلولی، چون سلول‌های غضروف و استخوان، انجام شده بود که همگی مویید اثر افزاینده در این زمینه است. در این باره به ارتباط بین افزایش

نتایج حاصل آنالیز آماری داده در این مطالعه نشان داد که در بین مقادیر درصد زنده‌مانی سلول‌ها در گروه‌های دریافت کننده دوزهای مختلف عصاره گیاه کانابیس اختلاف معنی‌داری مشاهده نمی‌شود (نمودارهای ۱ و ۲).



نمودار ۲) مقایسه میانگین زنده ماننی سلول‌های دریافت کننده دوزهای ۳۰ تا ۶۰۰۰ ng/ml تا ۱۵۰ تا ۱۰۰۰، ۱۰۰۰ تا ۶۰۰۰.

به علاوه نتایج این مطالعه نشان داد که تیمار روزانه با دوز ۱۰۰ نانوگرم در میلی‌لیتر عصاره گیاه کانابیس به محیط تمایز سلول‌های گروه تجربی و پس از قرارگیری سلول‌ها در معرض محیط آدیپوژنیک اولین قطرات چربی همانند سلول‌های گروه کنترل مشاهده شد به طوری که پس از ۱۰ روز تمام سیتوپلاسم برخی از سلول‌ها از چربی انباشته شده بود. بعد از گذشت ۲۱ روز و با استفاده از روش رنگ آمیزی با اوایل رد، ماهیت چربی قطرات مشاهده شده در سیتوپلاسم سلول‌های گروه‌های کنترل و تجربی، تایید گردید (شکل ۲).



شکل ۲) نمایش قطرات چربی در سلول‌ها. ۱- محیط کنترل ۲- محیط تمایز به چربی به همراه عصاره کانابیس ساتیوا.

رنگ قرمز نشان دهنده وجود دانه‌های چربی در سیتوپلاسم سلول‌ها در گروه‌های کنترل و تجربی می‌باشد.

#### بحث

بر اساس مشاهدات مورفولوژیک سلول‌های کنترل و تیمار شده با عصاره کانابیس، مزانشیمی بودن آن‌ها بر اساس شکل دوکی و چسبندگی به کف فلاسک تایید و اثبات گردید و نشان داده شد که وجود عصاره کانابیس در غلظت به کار گرفته شده هیچ تاثیری بر خاصیت چسبندگی به کف فلاسک و یا ظاهر

## منابع

- 1- Kidd PM. Multiple sclerosis, an autoimmune inflammatory disease: prospects for its integrative management. *Altern Med Rev*. 2001;6(6):540-66.
- 2- Long JZ, Nomura DK, Vann RE, Walentiny DM, Booker L, Jin X, et al. Dual blockade of FAAH and MAGL identifies behavioral processes regulated by endocannabinoid crosstalk in vivo. *Proc Natl Acad Sci U S A*. 2009;106(48):20270-20275.
- 3-Alakbarov FU. Medicinal Properties of Cannabis According to Medieval Manuscripts of Azerbaijan. *Journal of Cannabis Therapeutics*. 2001; 1(2): 3-14.
- 4-Farquhar-Smith WP. Pain and cannabinoids: science and evidence. *Pain Reviews*. 2002; 9(1): 41.
- 5- Ruiz L, Miguel A, Díaz-Laviada I.  $\Delta 9$ -Tetrahydrocannabinol induces apoptosis in human prostate PC-3 cells via a receptor-independent mechanism. *FEBS letters*. 1999; 458(3): 400-404.
- 6- Sánchez C, Galve-Roperh I, Canova C, Brachet P, Guzmán M.  $\Delta 9$ -Tetrahydrocannabinol induces apoptosis in C6 glioma cells. *FEBS letters*. 1998;436(1): 6-10.
- 7- Marselos M, Karamanakos P. Mutagenicity, developmental toxicity and carcinogenicity of cannabis. *Addiction biology*. 1999; 4(1): 5-12.
- 8- Cavuoto P, Wittert GA. The Role of the Endocannabinoid System in the Regulation of Energy Expenditure. *Best Pract Res Clin Endocrinol Metab*. 2009; 23(1):79-86.
- 9- Borgelt LM, Franson KL, Nussbaum AM, Wang GS. The Pharmacologic and Clinical Effects of Medical Cannabis. *Pharmacotherapy*. 2013;33(2):195-209
- 10- Svízenská I, Dubový P, Sulcová A. Cannabinoid Receptors 1 and 2 (CB1 and CB2). Their Distribution, Ligands and Functional Involvement in Nervous System Structures -- A Short Review. *Pharmacol Biochem Behav*. 2008; 90(4):501-511
- 11- Jesse k, Biehl B. Introduction to stem cell therapy. *J Cardiovasc Nurs*. 2009; 24(2): 98-105.
- 12- Poulos SP, Dodson MV, Hausman GJ. Cell line models for differentiation: preadipocytes and adipocytes. *Experimental biology and*

فعالیت سیستم کانابینوئیدی و درمان پوکی استخوان اشاره شده است. گیرنده کانابینوئیدی نوع ۱ از طریق تنظیم تمایز سلول‌های استرومایی به سلول‌های استخوان و چربی می‌تواند استخوان را در برابر تخریب استخوان ناشی از افزایش سن محافظت کند<sup>[24,26]</sup>. دگزامتازون تمایز سلول‌های داریستی مغز استخوان به سمت سلول‌های چربی بالغ را افزایش می‌دهد که این اثر را می‌توان با نتیجه حاصل از این پژوهش چنین تفسیر کرد که احتمالاً به دلیل خاصیت ضدالتهابی عصاره به‌کار گرفته شده و مشابهت اثر آن با دگزامتازون، تمایز به چربی نیز افزایش یافته است<sup>[27]</sup>. ضمناً با توجه داشت که اثر ترکیبات کانابیس در رابطه با تمایز همیشه مثبت نبوده و در ارتباط با سلول‌های فعال سیستم ایمنی منفی است بطوری‌که دلتا-۹-تتراهیدروکانابینول در مرحله پریناتال سبب اختلالات شدید در تمایز و عملکرد سلول T در مراحل جنینی و پس از تولد می‌شود<sup>[28]</sup>. به علاوه باید توجه داشت که تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان به آدیپوسیت‌ها اهمیت زیادی دارد زیرا پوکی استخوان و خطر شکستگی استخوان در پی افزایش سن، با دو عامل افزایش آدیپوسیت‌ها در مغز استخوان و کاهش استئوبلاست‌ها در ارتباط است<sup>[29]</sup>. بنابراین برای پیشگیری از پوکی و شکستگی استخوان‌ها علاوه بر تحریک استئوژنز نیاز به مهار آدیپوژنز نیز می‌باشد<sup>[30]</sup>، که این مسئله یکی از دلایل محدودیت استفاده از عصاره‌های گیاهی نظیر کانابیس است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های حاصل از این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که عصاره گیاه کانابیس ساتیوا بر تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان به سلول‌های چربی دارای تاثیر مثبت است و از آنجا که برای پیشگیری از پوکی و شکستگی استخوان‌ها علاوه بر تحریک استئوژنز نیاز به مهار آدیپوژنز نیز می‌باشد لذا در زمان درمان افراد معتاد به فرآورده‌های این گیاه و یا افراد درمان شونده با مشتقات آن، به‌خصوص در مورد بیماری‌های مربوط به استخوان نظیر پوکی و شکستگی استخوان بایستی به نقش منفی مشتقات گیاه کانابیس در این مورد توجه ویژه شود.

تشکر و قدردانی: از تلاش‌ها و مساعدت‌های کارشناسان محترم مرکز تحقیقات سلول‌های بنیادی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در اجرای این پروژه همکاری داشتند، صمیمانه سپاسگزاریم.

تاییدیه اخلاقی: موردی از جانب نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

سهام نویسندگان: مریم سازمند (نویسنده اول) ۲۵ درصد، داوود مهربانی (نویسنده مسئول) ۲۵ درصد، سید ابراهیم حسینی (نویسنده سوم) ۲۵ درصد، مسعود امینی (نویسنده چهارم) ۲۵ درصد. منابع مالی: هزینه‌های این مطالعه به صورت شخصی تأمین شده است.

- 23- O'sullivan SE. Cannabinoids go nuclear: Evidence for activation of peroxisome proliferator-activated receptors. *British journal of pharmacology*. 2007; 152(5):576-582.
- 24- Frisher M, White S, Varbiro G, Voisey C, Perumal D, Crome I et al. The role of cannabis and cannabinoids in diabetes. *The British Journal of Diabetes & Vascular Disease*. 2010;10(6):267-273.
- 25- John M, McPartland. The Endocannabinoid System: An Osteopathic Perspective. *JAOA*.2008; 108 ( 10): 286-295.
- 26- Idris AI, Sophocleous A, Landao-Bassonga E, Canals M, Milligan G, Baker D, et al. Cannabinoid receptor type 1 protects against age-related osteoporosis by regulating osteoblast and adipocyte differentiation in marrow stromal cells. *Cell Metabolism*.2009; 10(2): 139-147.
- 27- Nick Bakhte Dastjerdi, M. The Effect of Dexamethasone on the Differentiation of Bone Marrow Scaffold Cells into Fatty Cells. *Isfahan Medical School J*.2005; 23( 77-76 ): 17-17.
- 28- Lombard C, Hegde V L, Nagarkatti M, Nagarkatti P S. Perinatal exposure to  $\Delta^9$ -tetrahydrocannabinol triggers profound defects in T cell differentiation and function in fetal and postnatal stages of life, including decreased responsiveness to HIV antigens. *Journal of Pharmacology and Experimental Therapeutics*.2009; 339(2): 607-617.
- 29- Takada I, Kouzmenko AP, Kato S. Molecular switching of osteoblastogenesis versus adipogenesis: implications for targeted therapies. *Expert opinion on therapeutic targets*. 2009; 13(5):593-603.
- 30- Cao JJ. Effects of obesity on bone metabolism. *J Orthop Surg Res*. 2011;6(1):30.
- medicine. 2010; 235(10):1185-93.
- 13- Caplan AI, Dennis JE. Mesenchymal stem cells as trophic mediators. *Journal of Cellular Biochemistry*.2006 Aug; 98(5): 1076-1084.
- 14- Pournassarkhakabaz B , Baharvand H. Human Mesenchymal Stem Cells and its therapeutic applications. *Anatomical sciences journal*,2007;5(19-20):167-215
- 15- Taheri F, Haji Ghasem Kashani M, Ghorbanian MT, Hosseinpour L. Inductive effect of Deprenyl and Dimethyl sulfoxide on proliferation and survival of the mesenchymal stem cells. *J Gorgan Univ Med Sci*. 2012; 14 (3) :10-18.
- 16- Ramezani T, Baharara J, Saghiri N. The Effect of Saffron Aqueous Extract (*Crocus sativus* L) on Osteogenic Differentiation of Rat Bone Marrow-Derived Mesenchymal Stem Cells. *Journal of Birjand University of Medical Sciences*.2014; 21(2): 169-178.
- 17- Poliseti N, Chaitanya VG, Babu PP, Vemuganti GK. Isolation, characterization and differentiation potential of rat bone marrow stromal cells. *Neurol India*. 2010;58(2):201-8.
- 18- Karaoz E, Genç ZS, Demircan PÇ, Aksoy A, Duruksu G. Protection of rat pancreatic islet function and viability by coculture with rat bone marrow-derived mesenchymal stem cells. *Cell death & disease*. 2010; 1(4):36.
- 19- Maxson S, Lopez EA, Yoo D, Danilkovitch-Miagkova A, LeRoux MA. Concise review: role of mesenchymal stem cells in wound repair. *Stem cells translational medicine*.2012; 1(2):142-149.
- 20- Rahmanifar F, Tamadon A, Mehrabani D, Zare SH, Abasi S, Keshavarz S, et al. Histomorphometric evaluation of treatment of rat azoospermic seminiferous tubules by allotransplantation of bonemarrow-derived mesenchymal stem cells. *Iran J Basic Med Sci*. 2016; 19(6):653-661.
- 21- Mahmoudi Z, Soleimani M, Saidi A, Iranshahi M, Azizsoltanli A. Effect of *Ferula gummosa* ethanolic extract on osteogenesis in human mesenchymal stem cells. *Journal of Medicinal Plants*.2013; 2(46): 50-59.
- 22- Rosen ED, Hsu CH, Wang X, Sakai S, Freeman MW, Gonzalez FJ et al. C/EBP $\alpha$  induces adipogenesis through PPAR $\gamma$ : a unified pathway. *Genes & development*. 2002 Jan 1;16(1):22-6.